

بهترین ترجمه‌ای که خوانده‌ام
از دیدگاه علیرضا طاق‌دره

فلسفه هگل، ترجمه حمید عنایت

به کوشش محبوبه اعتضاد

به پیشنهاد سردبیر محترم مجله، قرار شده از این شماره بخشی با عنوان «بهترین ترجمه‌ای که خوانده‌ام» در مجله آغاز شود. این حقیر افتخار پیدا کردم که مسئول این بخش باشم. البته شاید این کار ابتکاری نباشد ولی نگاه ما به موضوع متفاوت خواهد بود. هدف ما این است که سراغ افراد مختلف برویم و از آنها بپرسیم بهترین ترجمه‌ای که تاکنون خوانده‌اند کدام است و دلیلشان چیست؟ مایلیم این افراد به‌طور مبسوط از هرمنظری که به‌نظرشان ترجمه‌ای زیبا آمده نظرشان را بگویند تا درک ما از ظرایف و اهمیت ترجمه‌ها بالا برود و نیز نام مترجمانی را پاس بداریم که حرمت جان عرق‌ریزشان اعتبار این آیین است.

علیرضا طاق‌دره، مترجم *والدن* شاهکار هنری دیوید تارو است. در ادبیات امریکا سه اثر ادبی با آب پیوند دارند: موبی دیک، پیرمرد و دریا و *والدن*. *والدن* که قصه یگانگی تارو با طبیعت است، از کنار آبگیری بسیار کوچک در دل جنگلی باصفا آغاز می‌شود. طاق‌دره در طول پانزده سال گذشته سرگرم مطالعه عاشقانه *والدن* و پژوهش در اندیشه‌های هنری دیوید تارو، رالف والدو امرسون و امیلی دیکنسون بوده است. او در سال ۲۰۱۶ در سخنرانی‌ها و جلسات بحث و گفت‌وگو، تفسیر خویش را از *والدن* به جامعه ادبی و مردم امریکا ارائه کرده است. در این راه، چندین اندیشمند آمریکایی از جمله پروفیسور رابرت ریچاردسون او را یاری کرده‌اند.

در گفت‌وگویی که با آقای طاق‌دره داشتم، گفتند مترجم، کیوتر نامه‌بر نیست که پیامی ناخوانده را به پایش ببندند تا آن را از سرزمینی به سرزمین دیگر برد. مترجم را با زنبورعسل مقایسه کردند: ترجمه بازتاب دل و دانش یک ملت در قلب دیگر ملت‌هاست. مترجم مانند زنبورعسل پروازکنان از کندوی زبان و فرهنگ یک ملت دور می‌شود و باغ‌ها و دشت‌های

گل را از فراز فرسنگ‌ها می‌یابد و آن را چه به صورت عسل چه با گرده‌افشانی به سرزمین و دنیایی دیگر می‌برد. بدون مترجمان، تمدن بشری را بقایی نیست. همانطور که دانشمندان معتقدند بدون زنبورهای عسل بقای بشر رو به نابودی خواهد رفت. مترجم می‌تواند یکی از بهترین مفسران اثری باشد که ترجمه می‌کند. امتیاز مترجم آن است که مانند آفتاب پرست می‌تواند با هریک از چشمان خود بر دو دنیای مختلف بنگرد و آنچه را که می‌بیند در یک مغز واحد تفسیر کند. او می‌داند نزدیکی به یک فرهنگ و تمدن واحد نباید ملت‌ها را از وجود فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر غافل کند. مترجم نیز مانند ستاره‌شناسان می‌داند نزدیکی به خورشید نباید انسان‌ها را از وجود ستارگان و کهکشان‌های بی‌شماری که در آسمان‌هاست غافل کند. فرهنگ‌ها باید از هم سود ببرند.

آقای طاق‌دره درباره‌ی بهترین ترجمه‌ای که تاکنون خوانده‌اند، چنین گفتند: ترجمه‌ی کتاب *فلسفه‌ی هگل* دارای ویژگی‌هایی است که آن را به یک اثر آرمانی تبدیل کرده است. درک دقیق و درست مترجم از کتاب، آگاهی ژرف او از موضوع، انتخاب معادل‌های دقیق و نیز انتخاب ساختارهای مناسب و دقیق برای جمله‌ها در سراسر کتاب همگی باعث شده مترجم به ترجمه‌ای روان و روشن از یک اثر مهم و دشوار برسد. این اثر، که در طول چند دهه‌ی گذشته کتاب مفیدی برای دانشجویان فلسفه بوده، یک کارگاه عالی ترجمه برای دانشجویان و تمام علاقه‌مندان به رشته‌ی مترجمی است. اهل فضل و فلسفه، این کتاب را یکی از اولین آثاری می‌دانند که به زبانی روان و روشن درباره‌ی هگل ترجمه شده. این روشنی دلایلی دارد. یکی آنکه عنایت بر زبان مبدأ، یعنی انگلیسی، تسلطی عالی داشت. او در زبان فارسی نیز استادی چیره‌دست بود. در پایان کتاب *فلسفه‌ی هگل*، فهرستی از کتاب‌هایی است که عنایت برخی از معادل‌های ادبی و فلسفی خویش را از آن برگزیده است. در میان این کتاب‌ها می‌توان آثار ابن‌سینا، ملاصدرا و ناصرخسرو و نیز کتاب‌هایی چون *کشف‌الاسرار* را دید. او آثار مترجمان معاصری چون محمدعلی فروغی یا منوچهر بزرگ‌مهر را نیز در این فهرست آورده است. از این کار می‌توان آموخت که ما همواره باید از مترجمان خوب معاصر و نیز نویسندگان کلاسیک خود برای تقویت دانش زبانی و اندیشه‌ی خویش استفاده کنیم. عنایت در ترجمه‌ی استادانه‌ی کتاب *فلسفه‌ی هگل* نحوه‌ی بهره‌برداری خلاقانه و درست از چنین آثاری را به ما نشان می‌دهد.

ترجمه در تمام حوزه‌ها نیازمند دقت بسیار است، اما در حوزه‌ی ادبیات، عرفان و فلسفه این حساسیت بیشتر است. پیش از اشاره به کتاب *فلسفه‌ی هگل*، مایلم با ذکر یک ترجمه‌ی انگلیسی

از یک حدیث قدسی حساسیت چنین ترجمه‌هایی را نشان بدهم. رالف والدو امرسون در مقاله‌ای با نام «عشق» این حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف» را چنین به زبان انگلیسی ترجمه کرده، یا شاید از ترجمه کس دیگری اقتباس کرده است:

I was a gem concealed
Me my burning ray revealed

که یعنی: «من جواهری (گنجی) مخفی بودم. مرا پرتو سوزانم آشکار کرد». می‌بینیم که حذف واژه «دوست‌داشتن» نه فقط به این ترجمه بلکه به یک فرهنگ آسیب زده، زیرا در حکمت اسلامی و عرفان ایرانی، «عشق» دلیل خلقت و علت اصلی آفرینش است. من این ترجمه را چنین ویرایش می‌کنم:

I was a gem concealed
I loved to be revealed.

با این تغییر یک مفهوم بسیار بلند عرفانی نجات می‌یابد و به درستی منعکس می‌شود. پس علاوه بر تسلط زبانی، درک مترجم از فرهنگ مبدأ دارای اهمیت فراوانی است. ترجمه فلسفه هگل بسیار دقیق است، اما دقت در این اثر و در دیگر ترجمه‌های حمید عنایت به معنای وفاداری به ساختار ظاهری جملات و واژه‌ها نیست. او منظور نویسنده و مفهوم درست جملات را به فارسی منتقل می‌کند، اما به گونه‌ای که اگر نویسنده ایرانی بود خود به فارسی می‌نوشت. مثلاً صیغه مجهول در زبان انگلیسی بسیار رایج‌تر از فارسی است. اما عنایت اجازه نمی‌دهد این ساختار بر ترجمه او حاکم شود. این بی‌وفایی نیست، بلکه عین وفاداری است. ترجمه مثل زن نیست. مثل مرد هم نیست، بلکه مانند کودکی است که باید به مادر و پدر هر دو وفادار باشد. درحقیقت، ترجمه کودکی است که از ازدواج دو فرهنگ زاده می‌شود. عنایت، درست در اولین جمله از کتاب فلسفه هگل، سه فعل مجهول را به زیبایی در صیغه معلوم به کار می‌برد:

Hegel claims that the substance of all previous philosophies is contained, preserved, and absorbed, in his own system.

هگل مدعی است که دستگاه فلسفی او خلاصه و زبده همه فلسفه‌های پیشین را دربرگرفته و پاس داشته و در خود هضم کرده است.

گویی این دوجمله را یک تن با یک منظور اما به دو زبان در دو فرهنگ مختلف نوشته است. برخورد عنایت با جملات مجهول در سراسر کتاب پیرو همین اصل است. در قسمت دیگری از اولین صفحه کتاب به این جمله می‌رسیم:

We assume that the main outlines of their teachings are already known.

عنایت، با افزودن کلمه «خواننده» به جمله، آن را از مجهول به معلوم تبدیل و این‌گونه بازنویسی کرده است: ما فرض را بر این گرفته‌ایم که خواننده از پیش با مبانی آموخته‌های این فیلسوفان [یعنی افلاطون، ارسطو و کانت] آشناست. به دلیل درک عمیق کتاب، عنایت می‌داند چه آزادی‌هایی می‌تواند به خویش بدهد. او جان جملات فارسی را به خاطر تقلید کورکورانه از واژه‌ها و جملات انگلیسی نمی‌گیرد. در جمله پیچیده زیر، او به تک‌تک واژه‌ها بادقت توجه کرده و درعین حال به زیبایی هرچه تمام‌تر تأکیدی را که نویسنده با جابه‌جایی اجزاء جمله ایجاد کرده به‌درستی در فارسی وارد کرده است.

Not what is stated by them expressly, but what is implicit in them, what Hegel discovered as the underlying substratum of them beneath the surface, — this it is our aim to set forth.

غرض ما نه بیان چیزهایی است که این فیلسوفان آشکارا گفته‌اند، [نویسنده گفته: «به وسیله آنان گفته شده است»] بلکه بازنمودن [بازنمودن] را عنایت اضافه کرده [مطالبی است که در عقاید ایشان پنهان است و هگل آنها را همچون هسته‌ای از زیر پوست‌های ظاهری بیرون آورده و نمایان کرده است.

در گفت‌وگو از مفاهیم موجود در فلسفه غرب، زبان فارسی مانند انگلیسی، زبان جاافتاده‌ای نیست. ما در فارسی، چنین زبانی برای بیان فلسفه‌ای که خاص دنیای غرب است نداریم. اما عنایت در ترجمه کتاب *فلسفه هگل* توانسته با تکیه بر غنای ادبی و علمی زبان پارسی در یک هزار سال گذشته به زبان پخته و پرورده‌ای دست یابد. او در تمام ترجمه‌های خود گاه اندکی از ایجاز انگلیسی می‌کاهد. مثلاً وقتی نویسنده می‌گوید: «دستگاه هگل»، عنایت می‌داند که بهتر است بگوید «دستگاه فلسفی هگل». هگل برای مردم مغرب‌زمین آشناست. هر فرد تحصیل کرده‌ای در دنیای غرب می‌داند «دستگاه هگل» همان فلسفه هگل است، اما عنایت که اولین کتاب را در تفسیر آرای هگل ترجمه می‌کند می‌داند پارسی‌زبانان

نیاز به توضیح بیشتری دارند. با ادامه چنین ترجمه‌هایی فارسی نیز به پختگی و ایجاز انگلیسی خواهد رسید. عنایت در این روش هرگز افراط نمی‌کند و شعور خواننده را دست‌کم نمی‌گیرد. همین نکته‌های ظریف است که عطری آشنا به نثر عنایت می‌دهد، و کتاب را به فهم خواننده ایرانی نزدیک می‌کند.

روش عنایت در انتخاب کلمات سرشار از آموزه‌های مفید است. من کلمات زیر را از کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت با ترجمه حمید عنایت بارها به دوستانم نشان داده و از آنان خواسته‌ام آنها را ترجمه کنند: politics, economics, morals, religion, science معمولاً می‌گویند: «سیاست، اقتصاد، اخلاقیات، مذهب و علم»، اما عنایت این کلمات را، در بخش قیصر و مسیح از کتاب تاریخ تمدن، اینگونه ترجمه کرده: «سیاست، اقتصاد، اخلاقیات، دین، دانش.» که مرا به یاد این شعر حافظ می‌اندازد:

به غیر آنکه بشد دین و دانش از دستم / دگر بگو که ز عشقت چه طرف برستم

هیچ دانشجوی ترجمه‌ای نیست که از مطالعه و مرور آثار عنایت بی‌نیاز باشد. عنایت یکی از برجسته‌ترین ادیبان دانشمند و مترجمانی است که فرهنگ این سرزمین به خود دیده است. از عنایت می‌توان با لذت سرشار نکته‌های بسیار مفید آموخت. روحش شاد!
